



### بسم الله الرحمن الرحيم

بچثمان در استثنائات صوم در سفر بود، صاحب عروة در ادامه بحث می فرماید: «وأما المسافر الجاهل بالحكم لو صام فيصح صومه و يجزيه على حسبما عرفته في جاهل حكم الصلاة إذا الإفطار كالقصر و الصيام كالتمام في الصلاة لكن يشترط أن يبقى على جهله إلى آخر النهار و اما لو علم بالحكم في الأثناء يصح صومه و اما الناسي فلا يلحق بالجاهل في الصحة». کسی که جاهل است به اینکه مسافر نباید روزه بگیرد اگر در سفر روزه بگیرد روزه اش صحیح و مجزی است به تفصیلی که در کتاب صلوة گذشت و شرط صحت آن از جاهل آن است که بر جهل خود باقی بماند تا آخر روز پس هرگاه در اثناء روز عالم به حکم شود روزه اش صحیح نیست و اما کسی که حکم وجوب افطار بر مسافر را می دانسته ولی فراموش کرده (ناسی) ملحق به جاهل نیست.

همانطور که قبلاً عرض کردیم شارع مقدس یکی در جاهل حکم به جهر و اخفات و قصر و اتمام در صلوة و دیگری در همین مورد یعنی جاهل به افطار و صوم نسبت به جاهل به حکم حتی جاهل مقصر تسهیل و تخفیف قائل شده و فرموده در این موارد اگر جاهل به حکم باشد معذور است و عبادتش صحیح می باشد.

صاحب وسائل روایات مربوط به جاهل به حکم وجوب افطار در سفر را در باب ۲ از ابواب من یصح منه الصوم ذکر کرده است که اخبار ۲ و ۳ و ۵ و ۶ از این باب برمانحن فیه دلالت دارد، خبر ۲ این خبر است: «و بإسناده عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن عبدالجبار، عن عبدالرحمن بن أبي نجران، عن حماد بن عيسى، عن عبدالرحمن بن أبي عبدالله، عن أبي عبدالله (ع) قال: سألته عن رجل صام شهر رمضان في السفر؟ فقال: إن كان لم يبلغه أن رسول الله (ص) نهى عن ذلك فليس عليه القضاء و قد أجزأ عنه الصوم». خبر سنداً صحیح می باشد و دلالتش برمانحن فیه روشن است.

خبر بعدی خبر ۳ از همین باب ۲ می باشد، خبر این است: «و بإسناده عن الحسين بن سعيد، عن ابن أبي عمير، عن حماد، عن ابن أبي شعبة - یعنی: عبیدالله بن علی الحلبي - قال: قلت لأبي عبدالله (ع) رجل صام في السفر، فقال: إن كان بلغه أن رسول الله (ص) نهى عن ذلك

فعلیه القضاء، و إن لم يكن بلغه فلا شيء عليه». این خبر همسنداً صحیح است و دلالتش نیز روشن است.

خبر بعدی خبر ۵ از همین باب ۲ می باشد، خبر این است: «محمد بن يعقوب، عن أبي علي الأشعري، عن محمد بن عبدالجبار، عن صفوان بن يحيى، عن عيص بن القاسم، عن أبي عبدالله (ع) قال: من صام في السفر بجهالة لم يقضه». این خبر هم مثل دو خبر قبلی در اعلی درجه صحت قرار دارد و دلالتش نیز روشن است.

و اما خبر بعدی خبر ۶ از همین باب ۲ می باشد، خبر این است: «وبهذا الإسناد عن صفوان، عن عبدالله بن مسكان، عن ليث المرادي، عن أبي عبدالله (ع) قال: إذا سافر الرجل في شهر رمضان أفطر، و إن صامه بجهالة لم يقضه». این اخبار هم از جهت سند صحیح و تامند و هم از لحاظ متن و دلالت مورد عمل فقهای ما می باشند.

خوب و اما یک بحثی آقای بروجردی (ره) در باب صلوة مسافر داشتند ایشان می فرمودند اینکه ما می گوئیم اگر کسی جاهل به حکم باشد و نمازش را در سفر تمام بخواند صحیح است معنایش چیست؟ آیا خداوند دو جور امر دارد؟ یعنی برای عالمین به حکم امر به قصر صلوة کرده و برای جاهلین امر به تمام کرده است؟ خوب ما نمی توانیم این حرف را بزینم زیرا؛ «**الله في كل واقعة حكماً يشرك فيه العالم والجاهل**»، اما اگر بگوئیم این مأموره نیست بلکه مآتی به از مأموره است دیگر نمی توانیم بگوئیم صحیح است زیرا صحت یعنی مطابقت مآتی به با مأموره در حالی که در اینجا امر ندارد پس صحت لامعنی له، خلاصه ایشان آخر الأمر اینطور توجیه کردند که نماز ظهر و عصر و عشاء برای همه اعم از مسافر و حاضر واجب است خوب حالا آن شخصی که جاهل به وجوب قصر صلوة در سفر بوده نمازش را تمام خوانده در واقع مطلق امر به وجوب صلوة را قصد کرده منتهی دچار خطای در تطبیق شده است یعنی در واقع این شخص قصد کرده آنچه را که شارع مقدس امر کرده قریه إلی الله بجا بیاورد منتهی دچار خطای در تطبیق شده و خیال کرده که امر تعلق به چهار رکعت پیدا کرده در حالی که واقعاً بر این شخص که مسافر است دو رکعت واجب است بنابراین در واقع این شخص امتثال امر شارع را کرده و این خطای در تطبیق را شارع مقدس از او قبول کرده است...**إنتهی کلام آقای بروجردی**.

خوب و اما صاحب عروة در عبارتشان یک قیاسی کرده اند و فرموده اند: «**إذا الإفطار كالقصر و الصيام كالتمام في الصلاة**»، یعنی در صلوة

صحيح است و دلالتش برمانحن فيه نیز روشن است ، بقیه بحث بماند  
برای فردا إنشاء الله... .

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخرأ و صلى الله على  
محمد و آله الطاهرين

وظیفه واقعی مسافر این است که در سفر قصر بخواند ولی تمام خوانده و در اینجا نیز وظیفه واقعی اش این بوده که افطار کند ولی روزه گرفته است لکن یشرط أن یبقی علی جهله إلى آخر النهار یعنی شرط صحت صومش این است که باید تا آخر روز بر جهلش باقی باشد و أما لو علم بالحکم فی الأثناء فلا یصح صومه زیرا طبق ادله شرعیه صوم آن است که از طلوع فجر تا غروب امساک کند لذا اگر تا غروب بر جهلش باقی بود صومش صحیح است ولی اگر در اثناء روز عالم به حکم شد دیگر این ادله اولیه شامل اینجا نمی شود لذا طبق ادله دیگر روزه اش باطل است. صاحب عروة در ادامه بحث می فرمایند ؛ « و أما الناسی فلا یلحق بالجاهل فی الصحة » زیرا ادله ما فقط شامل جاهل است و جاهل با ناسی فرق دارد .

خوب و اما صاحب عروة در ادامه می فرمایند : « وكذا یصح الصوم من المسافر إذا سافر بعد الزوال كما أنه یصح صومه إذا لم یقصر فی صلاته كناوی الإقامة عشرة أيام و المتردد ثلاثین يوماً و كثير السفر و العاصی بسفره و غیرهم ممن تقدم تفصیلاً فی كتاب الصلاة » و همچنین صائمی که بعد از زوال سفر کند روزه اش صحیح است چنانکه صحیح است از کسی که قصد اقامه ده روز نماید یا سی روز بدون قصد در جایی مانده باشد یا مسافری که کثیرالسفر باشد یا آنکه سفر او معصیت باشد و امثال آن که تفصیلش در کتاب الصلوة گذشت . در اینجا هفت قول وجود دارد که صاحب عروة فقط قول مشهور را در ذکر کرده است لذا فعلاً درباره همین قول بحث می کنیم.

خوب و اما دلیل این قول که صاحب عروة آن را محور قرار داده و بحث کرده روایاتی است که در باب ۵ از ابواب من یصح منه الصوم ذکر شده است اخبار ۱ و ۳ و ۴ بر این مطلب دلالت دارند ، خبر اول از این باب ۵ این خبر است : « محمد بن یعقوب ، عن محمد بن یحیی ، عن محمد بن الحسین ، عن صفوان عن العلاء بن رزین ، عن محمد بن مسلم ، عن أبي عبدالله (ع) قال: إذا سافر الرجل فی شهر رمضان فخرج بعد نصف النهار فعليه صیام ذلك اليوم ، و يعتد به من شهر رمضان ... الحدیث » . خبر سنداً صحیح است و دلالتش روشن است .

خبر بعدی خبر ۳ از این باب ۵ می باشد ، خبر این است : « و بالإسناد عن حماد، عن عبید بن زرارة ، عن أبي عبدالله (ع) فی الرجل یسافر فی شهر رمضان ، یصوم أو یفطر ؟ قال: إن خرج قبل الزوال فلیفطر ، وإن خرج بعد الزوال فلیصم ، فقال: يعرف ذلك بقول علی (ع) أصوم و افطر حتی إذا زالت الشمس عزم علی یعنی الصیام » . این خبر هم سنداً